

بررسی رابطه تواتر واژگان قرآن با عدم تواتر قرائات آن

محمدحسین اکرمی^۱ | عوض علی میرزایی^۲

چکیده

یکی از مبانی و پیش فرض‌های اساسی در مورد قرآن کریم، تواتر الفاظ و کلمات آن است؛ بدین معنا که الفاظ و واژگان موجود در مصحف کنونی، همان الفاظ و واژگان وحیانی است که از جانب خداوند متعال بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. در این تحقیق که با روش تحلیلی و توصیفی تهیه شده، این مسئله بررسی شده که پیامبر اکرم (ص) الفاظ وحیانی را با همان یک قرائت برای مردم خوانده و سپس متن آن با سفارش و نظارت پیامبر (ص) توسط صحابه ثبت شده است. بعد از دوران صحابه توسط دیگر مسلمان هم مکتوب و هم در سینه‌ها حفظ شده است؛ یعنی نسل به نسل از این دو طریق برای ما نقل شده است و به نقل متواتر لفظی به دست ما رسیده است. طبق یافته‌های این تحقیق، اختلاف قرائات در مورد برخی از الفاظ و کلمات قرآن، به تدریج در زمان پیامبر (ص) و بعد از آن پیدا شده و به جز یک قرائت، سایر قرائات ریشه در وحی ندارد و متواتر از پیامبر (ص) نیست. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، در پی یافتن پاسخ این سؤال است که ملازمه تواتر قرآن با تواتر قرائات چگونه بوده و ادله تواتر قرآن و عدم تواتر قرائات چیست؟

کلیدواژه‌ها: تواتر قرآن، قرائات، حفظ قرآن، ضرورت دین، اجماع

۱. دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: hosainakrami@yahoo.com

۲. دکتری جریان‌های کلامی معاصر، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

ایمیل: mirzaeiewazali@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم بر اساس گواهی خود، کتاب عربی است. چنانکه فرمود: «ما قرآن را عربی نازل کردیم تا در آن اندیشه نمایید». (زخرف: ۳) پیامبری که این قرآن بر او نازل شده نیز عربی است؛ به دلیل این که فرمود: «به تحقیق ما می دانیم که آنان می گویند: او را بشری تعلیم می دهد، زبان کسی که به او نسبت می دهند، عجمی است و این زبان عربی آشکار است». (نحل: ۳) محل نزول آن هم محیط عربی است؛ چنانکه خود بدان اشاره می کند: «بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی». (شوری: ۷) زبان و اسلوب آن نیز عربی است؛ چنانکه خود بر آن تصریح کرده: «زبان قرآن زبان عربی مبین است». (شعراء: ۱۹۵)

وقتی زبان قرآن عربی باشد، به طور طبیعی بافت ظاهری آن را الفاظ و کلمات عربی تشکیل می دهد. یکی از پرسش های اساسی در زمینه الفاظ و واژگان قرآنی، این است که آیا واژگان قرآنی متواترند؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا تواتر آن می تواند تواتر قرائات آن را به دنبال داشته باشد؟ به تعبیر دیگر آیا بین آن دو ملازمه عقلیه وجود دارد؟ تواتر قرآن چه نسبتی با تواتر قرائات دارد؟ در پاسخ به سؤال اول به طور اجمال می توان گفت که ماده قرآن متواتر است، ولی قرائات متواتر نیست؛ زیرا قرائات به تدریج بعد از نزول آیات و در اثر قرائت مسلمانان به وجود آمده نه این قرائت های مختلف از سوی خداوند نازل شده باشد. در عین حال که این مسئله در بین مشهور مفسران و عالمان علوم قرآنی شیعه و سنی مسلم و پذیرفته شده است؛ اما برخی با توجه به روایات نزول قرآن بر هفت حرف و تفسیر نمودن هفت حرف را به هفت قرائت، قائل به تواتر قرائات شده است؛ مانند احمد بن محمد خراط، معاون آموزش دانشکده مطالعات قرآنی ملک فهد در عربستان سعودی که کتابی با عنوان: «الإعجاز البياني في ضوء القرائات القرآنية المتواترة» نوشته است. از مباحث مطرح شده در این کتاب، بحث انواع اعجاز قرآن (اعجاز بیانی، اعجاز غیبی، اعجاز تشریعی و اعجاز علمی) است. در بررسی اعجاز بیانی، ۸۱ آیه از آیات قرآن را بررسی



کرده و سپس این نکته را مطرح کرده که علمای گذشته و حال، جوانب بلاغی آیات را از خلال علوم معانی، بیان و بدیع بررسی کرده‌اند؛ اما بررسی اعجاز از منظر اختلاف حروف، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است متن گفتار او در این زمینه، چنین است: «بید أن جلّ جهودهم فی هذا المضممار کانت تدور حول ما تلتقی علیه القرائات، ومن النادر أن تتوجّه الأنظار نحو القرائات المتواترة؛ لاستجلاء جوانب الإعجاز من جرّاء اختلاف حروفها وأنماطها التعبيرية، وهو فی رأینا موضوع ثرّ ذو آفاق واسعة». (خرائط، ۱۴۲۶: ۳۶) مگر اینکه بخش اعظم تلاش آنان در این زمینه، اطراف چیزی دور می‌زده که قرائات آن را القای کند و کم‌تر نظراتشان متوجه قرائات متواتر شده تا جوانب اعجاز بیانی را از خلال اختلاف حروف و گونه‌های بیانی، آشکار سازد که این موضوع به نظر ما غنی و با افق گسترده است.

برخلاف نظر مشهور، برخی قائل به تواتر قرائات هستند که پذیرش آن می‌تواند تبعات منفی زیادی مانند وجود تناقض در قرآن، تحریف به زیاده و نقیصه در قرآن و ... را در پی داشته باشد. لذا بررسی این مسئله لازم به نظر می‌رسد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، در نظر دارد که مسئله تواتر قرآن را و ادله آن را و همین‌طور ادله قرائات را بررسی نماید و در نهایت به این سؤال پاسخ دهد که آیا بین تواتر قرآن و تواتر قرائات ملازمه جود دارد؟ پیشینه بحث از تواتر قرآن را می‌توان در لابلای آثار بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، علامه طبرسی، زرکشی در البرهان، سیوطی در الاتقان، خویی در البیان، معرفت در التمهید و ... جستجو کرد؛ اما در بین آن یکی از آثاری که مستقلاً به این مسئله پرداخته، کتاب ارزشمند شیخ حرّ عاملی به نام «تواتر القرآن» است که به اثبات مسئله تواتر قرآن پرداخته و وجوه متعددی را در زمینه اثبات آن ذکر کرده، در نهایت به این نتیجه رسیده که قرآن متواتر است و از این طریق می‌توان قطع به مصونیت آن از تحریف حاصل کرد.

نسبت به اختلاف قرائات هم آثار متعددی به رشته تحریر درآمده که به عنوان نمونه می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. الحجة فی القرائات السبع تألیف حسین بن احمد بن خالویه بن حمدان معروف به امام ابن خالویه، این کتاب پیرامون یکی از موضوعات علوم قرآن؛ یعنی مسئله قرائت‌های مختلف نوشته شده است. مؤلف که از دانشمندان اسلامی قرن چهارم هجری است و دارای تألیفات متعددی است، در این کتاب بحث اختلاف قرائت‌ها را در آیات قرآنی مطرح نموده است.

۲. معانی القرائات اثر محمد بن احمد ازهری (متوفای ۳۷۰ ق)، کتابی است پیرامون معانی قرائت‌های معروف قرآن کریم که در بردارنده معانی قرائات سوره‌های قرآن کریم، از سوره حمد تا سوره ناس است. نویسنده در هر مورد، پس از ذکر آیه موردنظر، ابتدا قرائت‌های مختلف مذکور پیرامون هر یک که به دلیل اختلاف در اعراب، ترکیب و... است را ذکر نموده و سپس، به قائلین به آن قرائت، اشاره نموده است. از جمله ویژگی‌های این کتاب، علاوه بر ذکر قرائت‌های مختلف و اشاره به قائلین آن قرائات، می‌توان به تخصص نویسنده در بررسی معانی لغات و مباحث وی پیرامون ریشه کلمات و معانی مختلفی را که هر قرائت به دنبال دارد، اشاره نمود.

۳. التیسیر فی القرائات السبع نوشته ابو عمرو عثمان بن سعید الدانی که به زبان عربی است. این کتاب به دو قسمت تقسیم می‌شود: در بخش اول کتاب به یادکرد نام قراء سبعة، راویان، انساب، زادگاه، کنیه‌ها و تاریخ وفات آن‌ها، ذکر سندی که منتهی به قرائت هریک از این قراء می‌شود و نیز اختلاف دیدگاه‌های هریک از قراء پرداخته شده است. در بخش دوم به «فرش الحروف» و اختلاف قراء در این زمینه پرداخته شده و «فرش الحروف» سور قرآن از سوره بقره تا آخر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. ارشاد المبتدی و تذکرة المنتهی فی القرائات العشر، تألیف محمد بن حسین بن بندار واسطی قلانسی (متوفی ۵۲۱ ق)، به زبان عربی است. این کتاب، به ترتیبی همانند سایر کتب علوم قرائات تدوین شده است: ابتدا اسامی قراء ده‌گانه ذکر شده، پس از آن مباحث مرتبط با علم قرائت در ضمن ابواب یا فصولی بیان و در آخر نیز «فرش الحروف» به ترتیب سوره‌های قرآن کریم ارائه شده است.

۵. ابراز المعانی من حرز الامانی القرائات السبع نوشته امام عبدالرحمن بن اسماعیل بن



ابراهیم معروف به ابو شامه دمشقی که به زبان عربی است و در موضوع قرائت هفتگانه قرآن کریم نگاشته شده است. این کتاب شرحی است بر قصیده معروف شاطبیه، سروده ابوالقاسم بن فیره بن خلف بن احمد الشاطبی الاندلسی الرعینی الضریر متوفای ۵۹۰ هجری.

۶. النشر فی القرائات العشر تألیف حافظ ابی الخیر محمد بن محمد الدمشقی معروف به ابن الجزری، این کتاب پیرامون یکی از موضوعات مهم علوم قرآنی، یعنی مسئله قرائات نوشته شده است. مؤلف که یکی از دانشمندان اسلامی در قرن نهم هجری است، در این کتاب مسئله قرائات ده گانه (قاریان ده گانه) را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است. از آنجا که بحث های انجام شده به صورت گسترده است و طبق تصریح مؤلف که حدود هزار طریق را در این کتاب مورد بررسی قرار داده و میزان اعتبار قرائت های قاریان ده گانه را تجزیه و تحلیل نموده است، به این کتاب ارزش و جایگاه خاصی داده است.

۷. لطایف الإشارات لفنون القرائات نوشته احمد بن محمد قسطلانی (۸۵۱-۹۲۳ ق)، کتابی است به زبان عربی و با موضوع علوم قرآنی. نویسنده در این اثر به بیان برخی احکام تجوید قرآن پرداخته و اصول و فرش قرائات (یا فروع قرائات به معنای موارد جزئی از اختلاف قرائات در کلمات قرآنی است که ضابطه مند نیستند) را بررسی می نماید.

۸. اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعة عشر اثر شهاب الدین احمد بن محمد بن عبدالغنی الدمیاطی پیرامون مسئله قرائات نوشته شده است. مؤلف که از دانشمندان اسلامی قرن دوازدهم است، در این کتاب برخی از مسائل مربوط به علم تجوید را بیان نموده است. وی در ابتدا اسامی قاریان چهارده گانه را همراه با طریق نقل آنان ذکر و سپس به بررسی و توضیح موضوعاتی همچون: ادغام، حکم نون ساکن، حدّ و قصر و وقف بر آخر کلمه پرداخته است. وی بیشترین قسمت کتاب را به بررسی اختلاف قرائات درباره کلمات اختصاص داده که در این زمینه تمام سوره ها را ذکر و موارد اختلافی را بیان و سبب آن ها را نیز شرح می دهد.

۹. القرائات القرآنیة تاریخ و تعریف نوشته دکتر عبدالهادی الفضلی است. این کتاب پیرامون موضوع قرائت‌های مختلف (و قاریان آن‌ها) نوشته شده است. مؤلف که از قرآن‌پژوهان معاصر است در این کتاب با روشی جدید و با استفاده از روایات مختلف موضوع اختلاف قرائت‌ها را بررسی نموده است.

در این آثار همان‌طوری که مشاهده نمودید به مسئله تواتر قرائات پرداخته نشده و رابطه آن با تواتر قرآن بررسی نشده است. این پژوهش در پی بررسی اثبات این مسئله است که قرآن متواتر است و قرائات متواتر نیست. این دو مسئله مستقل از هم هستند و هیچ ملازمه بین تواتر قرآن و تواتر قرائات وجود ندارد.

۱. مفهوم شناسی تواتر

۱-۱. تواتر در لغت

تواتر در لغت از ریشه «وتر»، به معنای «تفرّد و تنها بودن» است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۳۲: ۸؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۳: ۱۹) به همین جهت اعداد فرد، پرده بینی، کسی که به خاطر تنهایی نمی‌تواند انتقام یا خون‌بهای کشته شده‌اش را بگیرد و ... از مصادیق اصلی آن محسوب شده است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۳: ۲۱) لغویان در توضیح بیشتر معنای آن، امور ذیل را دخیل دانسته‌اند: «در پی هم بودن، به صورت فردی انجام شدن و نقل نمودن فرد خبری را از فرد دیگر». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ۲: ۶۴۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴: ۲۲۴) برخی وجود فاصله در بین اشیای متواتر را لازم دانسته‌اند. (ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴: ۲۲۲؛ موسی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۶۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳: ۵۰۸)

۲-۱. تواتر در اصطلاح

در تعریف شیخ مفید از خبر متواتر این گونه آمده: «خبر متواتر عبارت است از خبری که نقل کنندگان از نظر کثرت و پراکندی در حدی‌اند که معمولاً توافق آنان به طور همگانی بر کذب محال و ممتنع است». (مفید، ۱۴۱۳: ۴۵۱) در تعریف دیگری این گونه آمده: «در اصطلاح متشرعه متواتر عبارت است از خبر دادن گروهی که



خود آن مفید علم است». (طباطبایی، ۱۲۷۰: ۴۲۸) در تعریف جرجانی از خبر متواتر چنین آمده: «خبر متواتر عبارت است از خبری که راویان آن در تمام طبقات، از نظر کثرت در حدی است که عادتاً توافق آنان بر کذب محال است». (جرجانی، ۱۴۲۸: ۱) عده دیگری گفته‌اند: «المتواتر، هو خبر جماعة یفید بنفسه القطع بصدقه؛ متواتر، خبر جماعتی است که به خودی خود و بدون کمک قرائین، یقین به صدق آن را افاده می‌دهد». «(بروجردی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۵۰؛ صدر، ۱۳۵۱: ۹۷؛ سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۶۴) مرحوم مظفر می‌گوید: «متواترات عبارتند از قضایای شخصی آرامش دهنده به نفس انسان که موجب به وجود آمدن قطع می‌شوند. این قطع‌آوری در اثر خبر دادن جماعتی است که توافقشان بر کذب و همین‌طور اشتباهشان در فهم حادثه، به صورت همگانی محال و ممتنع است؛ مانند علم مسلمانان به نزول قرآن بر پیامبر^(ص) و هم‌چنین علم انسان‌ها به شهرهای دوری که آن را ندیده‌اند». (مظفر، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

از ژرف‌نگری در معنای لغوی و اصطلاحی تواتر، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تواتر در بین علما و دانشمندان اسلامی اعم از اصولیان، محدثین، متکلمان و منطقیان، تقریباً از تعریف یکسانی برخوردار بوده و آن را به خبری تعریف کرده‌اند که ناقلین آن از نظر کثرت در حدی است که به‌طور معمول تبانی آنان بر کذب، محال و ممتنع است و مفید علم و یقین است. به عبارت دیگر کثرت عددی راویان، نقطه مشترک تمام تعریف‌های مذکور است که راویان، به صورت فردی و پشت سر هم، در طول اعصار و قرون متمادی، به گزارش واقعه‌ای پرداخته‌اند.

۲. مفهوم شناسی قرائات

قرائات جمع «قراءة»، از ریشه «قرء» است که در لغت به معنای خواندن است، چنانکه راغب می‌گوید: «قرائت به معنای به هم پیوستن برخی حروف و کلمات است با برخی دیگر در خواندن آشکار». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۹) در اصطلاح عبارت است از «ادای کلمات آن به قسمی که بر پیامبر^(ص) نازل شده است». (طاهری،



۱۳۷۷: ۳۶۰) به تعبیر روشن‌تر، «هرگاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که از نصّ وحی الهی حکایت کند و برحسب اجتهاد یکی از قراء معروف بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده است، استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است». (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

۳. متواتر بودن قرآن کریم (تبیین مبنا)

یکی از پیش فرض‌های اساسی و مبانی واژگانی قرآن کریم تواتر واژگان آن است؛ به این معنا که تمام الفاظ قرآن در قالب آیه‌ها و سوره‌ها، طبق آن ترتیبی که اکنون در مصحف موجود است، از دو طریق کتابت در اوراق و مصاحف و حفظ در سینه‌ها، توسط افراد زیادی از مسلمانان، اعم از کتاب، قراء، حفاظ و... نسل به نسل، بدون هیچ گونه زیادی و کاستی به گونه‌ای به دست ما رسیده که موجب قطع به قرآن بودن آن می‌گردد.

به تعبیر دیگر، قرآن کریم چون اساس دین و وسیله دعوت پیغمبر^(ص) بود، مسلمانان از همان آغاز وحی به حفظ و نگه‌دار آن اهتمام ورزیدند. لذا به محض نزول آیات، رسول خدا^(ص) آن را برای مسلمانان قرائت می‌کرد و عده‌ای از مسلمانان آن را می‌نوشتند و از بر می‌نمودند. به همین دلیل، عده‌ای به کاتبان وحی معروف شدند. هرچه بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شد، اهتمامشان بر حفظ و فراگیری قرآن شدت می‌یافت. به گواهی تاریخ بسیار از آنان تمام قرآن را از برداشتند و هرازگاهی آن را بر پیغمبر^(ص) تلاوت می‌کردند. (طیب، ۱۳۷۸، ۱: ۱۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۳) مانند حضرت علی^(ع)، معاذ بن جبل، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، ابویوب انصاری، زید بن ثابت، ابوالدرداء، سعد بن عیبید، عباد بن صامت و... (حریری، ۱۳۸۴: ۳۰۸) به ویژه حضرت علی^(ع) که هم عالم به شأن نزول، تفسیر و تأویل قرآن بود و هم از روز اول بعثت تا رحلت حضرت محمد^(ص) در سفر و حضر ملازم آن حضرت بود. (معرفت، ۱۳۷۹، ۱: ۱۹۹)

از طرف دیگر، رسول خدا^(ص) پیوسته مسلمانان را به تلاوت قرآن و عمل کردن



به دستورات آن سفارش می‌کرد. مسلمانان نیز تلاوت و حفظ قرآن را شعار اسلام و نشانه ایمان و وسیله تهذیب نفس و مایه سعادت خود می‌دانستند. از این جهت در حفظ و ضبط آن تلاش زیادی می‌کردند. علاوه بر این، نزول وحی در زمان حیات رسول خدا^(ص) ادامه داشت و مسلمانان هر لحظه منتظر نزول آن بودند. لذا قرآن در مصحف واحدی جمع نشده بود. بعد از رحلت رسول خدا^(ص) و قطع شدن نزول وحی، مسلمانان در حضور هزاران حافظ، قرآن را در یک مصحف جمع کردند و از آن به بعد، قرآن کریم با همین اهتمام زیاد و مراقبت تمام در استتساخ از آن، در هر دوره حفظ و نگه‌داری شد تا این‌که به دست ما رسید. (طیب، ۱۳۷۸، ۱: ۱۵؛ معرفت، ۱۴۱۵، ۲: ۱۴۷)

برخی از پژوهشگران معاصر در این زمینه می‌نویسند: «این وحی الهی که به زبان عربی روشن و فصیح از ساحت مقدس الوهیت صادر شده بود، مانند کتب دیگر تنها از طریق کتابت یا تنها از طریق حافظه انسان‌ها به دست ما نرسید، بلکه آنچه امروز در دست داریم هم دارای متن محفوظ و متکی به اسناد متواتر و یکسان بوده و هم با امانت کامل و دقیق در حافظه‌ها ضبط و نقل شده است. هر کدام از این دو طریق گواهی‌کننده طریق دیگر بوده، به طوری که از مجموع این دو طریق یک متن واحد و بدون اختلاف به دست ما رسیده است». (صبحی صالح، ۱۳۷۴: ۲۰)

حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «در تمام عصرها و مصرها و نسل‌ها، طبقات انبوهی دور همین مصحف کنونی را از شخص پیامبر اکرم^(ص) که عصمت کبرای وی از هر جهت تأمین است، نقل نموده‌اند و شخص آن حضرت، گرچه یک نفر است، ولی عصمت قاطع او یقین‌بخش است و چنین کتابی قطعی الصدور خواهد بود». (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۶)

۳-۱. علم‌آوری تواتر

گفته شد که خبر متواتر مفید علم و یقین است؛ اما سؤالی که ممکن است در ذهن ایجاد شود این است که راز علم‌آوری آن چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت که علم‌آوری خبر متواتر بر اساس تراکم قرائن است که به عنوان مثال وقتی راوی اول



از قضیه خبر می‌دهد، احتمال راست بودن آن یک مقدار ثابت است. هنگامی که راوی دوم هم همان قضیه را گزارش کند، احتمال صدق و درصد راست بودن آن هم افزایش می‌یابد. هرچه بر تعداد راویان و نقل‌کنندگان آن افزوده شود، احتمال صدق آن افزایش و احتمال کذب آن کاهش می‌یابد و کار تا بدان جا می‌رسد که از تراکم شدن این قرائن احتمال راست بودن صد در صد یا نزدیک به آن می‌رسد و احتمال کذب به صفر یا نزدیک به آن می‌شود. بنابراین یقین‌آوری تواتر بر اساس حساب احتمال و تراکم قرائن است، نه بر اساس قیاس منطقی که متشکل از دو مقدمه است. مقدمه اول کثرت راویان است و مقدمه دوم آن، محال بودن توافق راویان بر کذب؛ زیرا اگر ملاک کثرت راویان و استحاله تبانی آنان بر کذب باشد، باید در همه حالات حصول یقین به یک اندازه باشد، در حالی که این‌گونه نیست و هرچه درجه وثاقت راویان بیشتر باشد، حصول یقین زودتر انجام می‌گیرد و هرچه درجه اعتبار آنان کمتر باشد، حصول یقین دیرتر محقق می‌شود. (شهید صدر، ۱۴۲۸: ۱۵۲-۱۵۳؛ ایروانی، ۲۰۰۷، ۲: ۲۶-۲۹)

۳-۲. اقسام تواتر

به‌طور کل تواتر بر سه نوع لفظی، معنوی و اجمالی قابل تقسیم بندی است. تواتر لفظی درجایی است که تمام راویان یک لفظ را نقل کنند؛ مانند الفاظ قرآن، حدیث غدیر، حدیث ثقلین و... تواتر معنوی عبارت است از اتحاد راویان در نقل مضمون؛ مانند اتحاد روایات دال بر شجاعت امیرالمؤمنین علی^(ع) در جنگ‌ها. تواتر اجمالی هنگامی اتفاق می‌افتد که گزارش‌ها، در هیچ‌یک از مدلول‌های مطابقی، تضمینی و التزامی نقطه اشتراکی نداشته باشند. به‌عنوان نمونه اگر در کتاب وسایل هزاران حدیث وجود دارد و ممکن است برای فردی علم اجمالی به جعلی بودن تعدادی از آن پیدا شود یا علم اجمالی پیدا کند به این که تعدادی از آن از معصوم^(ع) صادر شده است. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۶۵؛ خویی، ۱۴۱۷، ۲: ۹۳؛ شهید صدر، ۱۴۲۸: ۱۵۶؛ ایروانی، ۲۰۰۷، ۲: ۳۶)

ذکر این نکته لازم است که هر خبری احتمال کذب در آن وجود دارد و این احتمال



ضرری به انعقاد تواتر اجمالی وارد نمی‌کند؛ زیرا در دو قسم دیگر هم هر خبری فی‌نفسه در آن احتمال کذب وجود دارد؛ اما این احتمال مانع از انعقاد تواتر لفظی و معنوی نمی‌شود، پس در تواتر اجمالی نیز چنین خواهد بود. (خویی، ۱۴۱۷، ۲: ۱۹۴)

۳-۳. شرایط تواتر

شرایط تواتر را می‌توان به دودسته تقسیم کرد:

۱-۳-۳. شرایط مخبرین

منظور از شرایط مخبرین آن دسته از شرایط است که با وجود آن‌ها تواتر محقق می‌شود و با فقدان یکی از آن‌ها، تواتر هم محقق نمی‌شود. این شرایط عبارتند از:

۱. روات از نظر عددی باید در حدی باشند که توافق آنان بر کذب محال و ممتنع باشد.
۲. به چیزی که خبر می‌دهند علم داشته باشند، نه ظن و گمان.
۳. مستند علم آن‌ها حس باشد، نه عقل و استنباط؛ یعنی چیزی را که خبر می‌دهند باید دیده باشند یا شنیده باشند یا از طریق سایر حواس ظاهری درک کرده باشند، نه این که فهم خودش از واقعیات را نقل کنند.
۴. شرط اول در تمام طبقات محفوظ بماند. (علامه حلی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۲۰؛ ابن شهید ثانی، ۱۳۷۶: ۲۵۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۴، ۳: ۳۲۰؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

۲-۳-۳. شرایط سامعین

منظور از شرایط سامعین آن شرایطی است که با وجود آن‌ها تواتر موجب حصول علم برای شنونده می‌شود. این شرایط عبارتند از:

۱. آگاه نبودن مخاطب به مفاد خبر؛ زیرا اگر مخاطب به مفاد آن آگاه باشد، دوباره برای اویقین حاصل نمی‌شود؛ زیرا این کار تحصیل حاصل است و تحصیل حاصل محال است.
۲. نبودن مخاطب مسبوق به شبهه یا مسبوق به تقلید؛ مثلاً اگر کسی ولایت امیرالمؤمنین علی^(ع) را به خاطر شبهه که دارد یا به تقلید از دیگران، منکر باشد و با این عقیده و

پیش فرض سراغ حدیث متواتر غدیر رود، علم به مفاد آن برایش حاصل نمی‌شود. برای این که یقین به مفاد آن پیدا کند، باید اول این مانع را برطرف نماید، سپس با ذهن خالی از شبهه و عقاید تقلیدی، سراغ حدیث مذکور و امثال آن برود. (علامه حلی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۲۰؛ علامه حلی، ۱۴۰۴: ۲۰۳)

۴. دلایل متواتر بودن واژگان قرآن

۴-۱. اجماع مسلمین

عموم دانشمندان مسلمان از جمله شیخ صدوق، طبرسی، حر عاملی، خویی، بلاغی، جوادی آملی، زرقانی، زرکشی، سیوطی و... اتفاق نظر دارند بر این که قرآن موجود متواتر است و متن آن قطعی است و با اخبار آحاد قرآنیت ثابت نمی‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۹۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ۱: ۱۲؛ حر عاملی، ۱۳۸۴: ۳۹؛ خویی، ۱۴۳۰: ۱۲۵؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ۱: ۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۶؛ زرقانی، ۱۹۹۶، ۱: ۱۹۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۵۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ۱: ۲۳۶)

اگر گفته شود که اجماع عبارت است از اتفاق کل و این تعریف در مورد قرآن صادق نیست؛ زیرا در اخبار آحادی که از سوی شیعه و سنی نقل شده، بسیاری از کلمات به عنوان قرآن گزارش شده است؛ چنانکه صاحب کتاب فصل الخطاب آن را در کتاب خود گردآوری کرده است. در پاسخ می‌گوییم آنچه به اخبار آحاد نقل شده، به دلیل این که خبر واحد مفید قطع نیست، قرآن بودن آن قطعی نیست و چنین چیزی نمی‌تواند ناقض اجماع باشد. (کاشانی، ۱۳۸۷: ۴؛ زرقانی، ۱۹۹۶، ۱: ۱۹۲)

۴-۲. توقف اثبات نبوت بر تواتر قرآن

نبوت حضرت محمد^(ص) یکی از اصول اعتقادی مسلمانان است که در ثبوت آن حصول یقین لازم است. یکی از معتبرترین دلایل آن قرآن کریم است که یقینی بودن آن مستلزم یقینی بودن نبوت حضرت محمد^(ص) است. علامه شعرانی در این زمینه می‌گوید: «قرآن معجزه نبوت است و در اعتقادات یقین معتبر است پس باید قرآن بودن کلام متیقن باشد تا از روی آن علم به نبوت حاصل شود و اگر قرآن ظنی باشد



معجزه نبوت مظنون و اصل نبوت هم مظنون باشد؛ مثلاً اگر قوم فرعون اژدهایی می‌دیدند و گمان می‌کردند عصای موسی^(ع) است و یقین به آن نداشتند، هرگز تصدیق نمی‌کردند که موسی پیغمبر است. اگر اصحاب مسیح^(ع) مرغی می‌دیدند و گمان می‌کردند حضرت مسیح آن را از گل ساخته و یقین نداشتند، تصدیق نبوت مسیح نمی‌کردند، قرآن هم اگر به گمان و مظنه گفته پیغمبر باشد، معجزه او نیست». (کاشانی، ۱۳۸۷: ۳) بنابراین قطع پیدا کردن به نبوت حضرت محمد^(ص) متوقف بر قطعی بودن قرآن موجود است و راه تحصیل قطع به قرآن موجود، منحصر در این است که به نقل متواتر به دست ما رسیده باشد.

۳-۴. اقتضای ضرورت دین

متواتر بودن قرآن جزء ضروری دین است و هیچ‌کسی جز «ابوالعلاء معری» نسبت به آن شک و شبهه ایجاد نکرده است. ابوالعلاء اگر در رد اسلام کتابی نوشته و در آن کتاب بر نفی تواتر قرآن دلیل اقامه کرده، به خاطر پول زیادی بوده که از طرف رؤسای یهود دریافت کرده است. بعدها که ابوالعلاء تصمیم گرفته تا در رد کتاب خود کتابی بنویسد، باز یهودی‌ها با دادن پول زیاد، مانع آن شدند. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۴۷)

ممکن است اشکال شود که تواتر قرآن اگر اجماعی و ضروری است، باید برای همه علم‌آور باشد، درحالی‌که برای خصم این‌گونه نیست. در پاسخ به این اشکال، با توجه به شرایطی که برای تواتر بیان شد، می‌توان گفت یکی از شرایط علم‌آوری خبر متواتر این است که شنونده مسبوق به شبهه یا مسبوق به تقلید نباشد و در مورد خصم این شرط موجود نیست و اگر در مورد او موجود شود، آنگاه علم‌آور خواهد شد.

۴-۴. اهتمام شدید مسلمانان به حفظ قرآن

قرآن کریم در مسائل مختلف اعم از اعتقادی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و... مرجع مسلمانان است. لذا انگیزه حفظ و نگهداری آن نزد مسلمانان، بیش از دیگر مسائل است. مرحوم طبرسی در تبیین این استدلال به نقل از سید مرتضی چنین می‌نویسد: «به‌درستی که علم به صحت نقل قرآن بسان علم به وجود شهرها، رویدادها و



اتفاقات بزرگ، کتب مشهور و اشعار ثبت شده عرب‌ها است، همان‌طوری که توجه شدید و انگیزه‌های فراوان برای حفظ و نقل آن‌ها باعث ماندگاری آن‌ها شده، در قرآن کریم که معجزه نبوت و مأخذ احکام شرعی و دینی است دواعی حفظ و نقل آن به مراتب بیشتر از آن‌ها است و علمای مسلمان در حفظ قرآن و عنایت و توجه بدان، نهایت تلاش کرده‌اند... در عهد رسول خدا^(ص) قرآن کریم تعلیم داده می‌شد و حفظ می‌گردید و جمعی از صحابه برای این کار معین شده بودند و آن‌ها قرآن را بر پیامبر^(ص) عرضه و تلاوت می‌کردند و جمعی از اصحاب مثل عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب و... چندین بار قرآن را بر حضرت ختم کردند». (طبرسی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۳)

۴-۶. شهادت آثار باقی مانده

از تأمل در آثار حدیثی، تاریخی و... و تتبع در اخبار قطع حاصل می‌شود بر این که هزاران صحابه قرآن را در اعلی درجه از شهرت و تواتر نقل کرده‌اند و در دوره بعد که دوران تابعین است شاهد افزایش تعداد ناقلان هستیم و هرچه به زمان‌های بعدی می‌رسیم با توجه با افزایش تعداد مسلمانان، بر تعداد ناقلین افزوده می‌شود و این مطلب نشان دهنده این امر است که نقل قرآن در بالاترین مرتبه از مراتب تواتر صورت گرفته است. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۴)

۴-۷. احادیث

در استناد به احادیث، نقل متن احادیث و بررسی سندی و دلالتی آن از ظرفیت این پژوهش بیرون است. لذا در ادامه به بیان محتوا و مدالیل التزامی آن می‌پردازیم:

الف. احادیث نبوی: احادیث نقل شده از رسول خدا^(ص) در مورد قرائت سوره‌های قرآن از اوّل تا آخر (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۲۲۳) و وعده ثواب زیادی که بر آن داده شده و هم‌چنین موافقت احادیث ائمه^(ع) با آن، (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۱۱) همگی دلالت دارند بر این که قرآن کریم در زمان خود حضرت به صورت مجموعه‌ای بوده و در بین مسلمانان همیشه مشهور و متواتر بوده است. اگر کسی در روایات منقول از ائمه^(ع) احتمال تقیه دهد، در روایات نبویّه چنین احتمالی منتفی است؛ زیرا اولاً تقیه بر پیامبر^(ص) جایز



نیست، ثانیاً این احادیث به صورت ابتدایی و بدون اقتضای هیچ ضرورتی یا سؤالی از ایشان صادر شده است. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۷)

ب. احادیث ائمه^(ع): احادیث متواتر از ائمه^(ع) در امر به تعلّم قرآن و قرائت آن (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۰۷ - ۶۱۰) و وعده ثواب زیاد بر تلاوت هر حرفی از آن، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۲۲۵) دلیلی است بر نفی تحریف، وگرنه دستورات مذکور قبیح و تلاوت آن حرام خواهد بود و چون ائمه^(ع) چنین دستوراتی را صادر کرده‌اند، معلوم می‌شود که قرآن مصون از تحریف مانده و در نتیجه شبهه در تواتر آن باقی نمی‌ماند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۵۶)

ج. احادیث وارده در مورد ختم قرآن: روایات زیادی از ائمه اطهار^(ع) رسیده که در آن بر ختم قرآن در مکه، در برخی از روزها و وقت‌های مشخص، سفارش شده و بر آن عده ثواب داده شده و گفته شده که بعد از ختم قرآن، فلان دعا خوانده شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۳۷۰) مدلول التزامی آن این است که قرآن موجود، بدون هیچ‌گونه کمی یا زیادی به دست ائمه^(ع) و مسلمانان هم‌عصر آنان و سپس به دست ما رسیده است. اگر این‌گونه نباشد، سفارش آنان به اعمال مذکور اغراء به جهل می‌شود و تکلیف امر به غیر مقدور می‌گردد. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۸)

د. احادیث قرائت قرآن در نماز: در روایات متواتری به قرائت قرآن در نماز دستور داده شده و نسبت به خواندن بعضی از سوره‌ها روایات خاصی نقل شده است. بنابراین برخی از روایات با اطلاقی که دارند بر آن دلالت دارند و برخی به‌طور خاص انسان را به خواندن سوره‌های مشخصی در نماز ترغیب می‌کنند و خواندن سوره‌های سجده دار، به دلیل داشتن سجده استثنا شده‌اند. این دستورات هنگامی درست است که قرآن کریم بدون هیچ‌گونه تحریفی، به صورت متواتر نقل شده و به دست ما رسیده باشد؛ زیرا ائمه اطهار^(ع) می‌خواهند با این دستورات مردم را هدایت کنند نه این‌که آنان را به بیراهه ببرند. علاوه بر این‌که اگر آنچه را که ائمه^(ع) به قرائت آن سفارش کرده‌اند، قرآن نباشند، خواندن آن در نماز موجب بطلان آن می‌شود و بر ائمه^(ع) لازم است که از این بدعت نهی کنند. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۹)

هـ. احادیث عرضه بر قرآن: در برخی از روایات برای صحت سنجی روایات، ملاکی داده شده به عنوان عرضه نمودن روایات متعارض بر قرآن که هر کدام موافق بود، اخذ شود و هر کدام مخالف بود رها گردد. هم‌چنین در روایت معتبر ذیل به طور مطلق آمده: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقَّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ برای هر حقی نمودار درستی است و بر فراز هر صوابی پرتو درخشانی، هر چیزی که موافق کتاب خدا باشد، اخذ کنید و هر آنچه مخالف آن باشد رهاش کنید».

(کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۶۹) پس طبق این روایات قرآن کریم معیار سنجش صحت و سقم روایات متعارض است. معیار بودن وقتی قابل پذیرش است که خود قطعی و عاری از هرگونه خلل باشد و اگر چنین نباشد، اغراء به جهل لازم می‌آید که ائمه^(ع) شأنشان اجل از آن است. در نتیجه یقینی بودن قرآن در نزد ائمه اطهار^(ع) مفروض و مسلّم بوده که ملاک سنجش صحت و سقم احادیث قرار گرفته است. برای ما که از عصر آنان فاصله داریم، اثبات یقینی بودن متن قرآن و خالی بودن از هرگونه خلل، متوقف بر این است که متن آن از طریق نقل به تواتر به دست ما رسیده باشد.

۴-۸. نبود گزارش دالّ بر عدم تواتر قرآن

در گزارش‌های معتبر حدیثی و تاریخی نیامده که متن و ماده قرآن متواتر نیست؛ (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۶۰) اما نسبت به تواتر آن اسناد و مدارک معتبر حدیثی و تاریخی زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها ذکر شد.

۴-۹. لازم آمدن بطلان استدلال به قرآن به طور مطلق

اگر قرآنی که اکنون در دست ما است، قطعی و منقول به نقل متواتر نباشد، لازمه‌اش این می‌شود که استدلال کردن با آن به هیچ وجهی درست نباشد، در حالی که عموم مسلمانان هم بر قرآن اعتماد دارند و هم علما با آن استدلال می‌کنند و در گذشته هم استدلال کرده‌اند. ائمه اطهار^(ع) نیز استدلالشان به قرآن، در حد زیادی گزارش شده است. پس وقتی استدلال به قرآن درست است، از این بطلان تالی نتیجه می‌گیریم که مقدم (متواتر نبودن قرآن) هم باطل است. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۶۲)



۵. رابطه تواتر واژگان قرآن با تواتر قرائات آن

با توجه به دلایل بالا، متواتر بودن ماده قرآن قطعی و انکارناپذیر است؛ اما این که تواتر ماده آیا می تواند تواتر قرائات را به دنبال داشته باشد یا نه؟ مسئله است که در این بخش به طور خلاصه بررسی می شود.

حق این است که تواتر ماده (واژگان) قرآن، نمی تواند تواتر قرائت های مختلف از آن را به دنبال داشته باشد؛ زیرا اختلاف قرائت پدیده ای است که بعد از وفات پیامبر^(ص) در بین صحابه به وجود آمد. آنان بر سر جمع کردن، تنظیم و تألیف قرآن اختلاف کردند و همین امر سبب شد که گاه و بی گاه بر سر قرائت قرآن، میان قاریان اختلافی پدید آید و هر گروهی قرائت خود را بر قرائت دیگران ترجیح دهد. (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

به تعبیر دیگر، واژگان قرآنی منقول از پیامبر^(ص) بیش از یک تلفظ و قرائت نداشته و آن همان تلفظی است که حضرت^(ص) از جبرئیل امین شنیده و سپس به مردم تعلیم داده است؛ اما اختلاف در چگونگی تلفظ و ادای برخی از کلمات بعد از وفات حضرت^(ص)، به دلیل خالی بودن خطی کوفی که قرآن با آن نوشته شده بود از نقطه و اعراب، به وجود آمده که هیچ کدام از آن ها جز همان قرائت معروف در بین مردم در زمان رسول خدا^(ص)، متواتر نیستند. (طاهری، ۱۳۷۷: ۳۶۱ - ۳۷۲)

بنابراین قرائات مختلفی پدید آمده بعد از وفات رسول خدا^(ص) منقول به خبر واحدند؛ اما خود الفاظ و واژگان قرآنی با همان نحوه تلفظ منقول از پیامبر^(ص) منقول به خبر متواتر است و بین این دو نوع نقل رابطه تباین برقرار است.

۶. ادله عدم تواتر قرائات

برای اثبات متواتر بودن ماده قرآن کریم، می توان دلایل متعددی ارائه کرد که در ذیل به عمده ترین آن ها اشاره می گردد.

۱. هیچ ملازمه ای بین تواتر قرآن و تواتر کیفیت قرائات آن برقرار نیست؛ زیرا اختلاف در چگونگی خواندن یک کلمه منافات با تواتر اصل آن کلمه ندارد. همان طوری که

اختلاف روات در چگونگی هجرت پیامبر اکرم^(ص)، منافات با تواتر اصل هجرت او ندارد. (خویی، ۱۴۳۰: ۱۵۷)

۲. آنچه توسط قُراء برای ما رسیده خصوصیات قرائت قرآن است؛ امّا اصل و مواد آن توسط مسلمین از دو طریق حفظ در سینه‌ها و کتابت در اوراق نسل در نسل به تواتر نقل شده و به دست ما رسیده است و این قراء دخل در آن ندارند. از همین جا است که اگر فرض کنیم قراء سبعة یا عشرة وجود نمی‌داشتند، باز تواتر اصل قرآن ثابت است و عظمت قرآن بالاتر از آن است که متوقف بر نقل چند نفر باشد. (خویی، ۱۴۳۰: ۱۵۷)

۳. بر اساس فرمایش امام صادق^(ع)، قرآن یکی بیش نیست و اختلاف بر قرائت آن از جانب روات (قاریان) صورت گرفته (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۳۱) که پایه‌های عوامل اختلاف آنان را می‌توان در سه چیز خلاصه کرد:

الف. اختلاف مصاحف اولیه، چه پیش از اقدام به یکسان کردن مصاحف در زمان عثمان و چه پس از آن.

ب. نارسایی خط و نوشته‌های قرآن که از هرگونه علائم و مشخصه و حتی از نقطه‌عاری بوده است.

ج. ابتدایی بودن خط نزد عرب آن روز. (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

۱. بررسی شرح حال راویان قرائات موجب قطع می‌شود به این که قرائات به صورت خبر واحد برای ما نقل شده است. علاوه بر این که وثاقت بعضی از آنان به اثبات نرسیده است.

۲. دقت در طرّقی که قراء قرائشان را از آنان اخذ کرده، روشن می‌سازد که قرائات برای خود آن‌ها نیز به صورت خبر واحد نقل گردیده نه خبر متواتر.

۳. بفرض اگر تواتر را در سلسله روات از قاریان بپذیریم، وقتی به خود قاریان می‌رسیم تواتر قطع می‌شود؛ زیرا هر قاری فقط قرائت خودش را نقل می‌کند.

۴. استدلال هر قاری و پیروانش بر صحت قرائت خود و اعراضش از دیگر قرائات، خود



گواه روشنی است بر اجتهادی بودن قرائت و اگر متواتر از پیامبر^(ص) می‌بود، نیاز به احتجاج و اعراض از دیگران نداشت.

۵. انکار پاره از قرائت‌ها توسط بعضی از علما و محققین، خود دلیل روشنی است بر عدم تواتر قرائات؛ مثلاً طبری قرائت ابن عامر را و احمد بن حنبل، قرائت حمزه را انکار نموده و برخی بر قرائت ابن کثیر خرده گرفته و... و اکثر علما هر قرائتی را که نتوان آن را در لغت عرب ریشه‌یابی کرد، انکار کرده‌اند. (خویی، ۱۴۳۰: ۱۴۹)

نتیجه‌گیری

از ادله که برای اثبات تواتر متن و ماده قرآن ارائه شد، به‌خوبی این نتیجه به دست می‌آید که الفاظ و واژگان قرآن وحی الهی است که از دو طریق کتابت در اوراق و مصحف‌ها و حفظ در سینه‌ها در طول دوران متمادی و نسل به نسل به‌صورت فوق تواتر نقل شد تا به دست ما رسیده است؛ اما قرائات متعددی که از یک واژه صورت گرفته، و حیانی نیست، بلکه به‌تدریج و به‌مرور زمان توسط قراء به وجود آمده و این مسئله هیچ ملازمه با متواتر بودن اصل الفاظ و کلمات قرآن ندارد، بلکه این دو مسئله جدا از هم است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، (۱۳۷۶)، *معالم الاصول*، قم: نشر قدس.
۲. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ایروانی، باقر، (۲۰۰۷)، *الحلقه الثالثه فی اسلوبه الثانی*، تهران: نشر قلم.
۴. بروجردی، سید علی، (۱۴۱۰)، *طرائف المقال*، (تحقیق: سید مهدی رجائی)، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامة.
۵. بلاغی نجفی، محمد جواد، (۱۴۲۰)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
۶. جرجانی، علی بن محمد بن علی، (۱۴۲۸)، *کتاب التعریفات*، تحقیق عادل انور خضر، بیروت: دارالمعرفه.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، *نزاهت قرآن از تحریف*، «تحقیق: علی نصیری»، قم: نشر اسراء.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۴)، *تواتر القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. حریری، محمد یوسف، (۱۳۸۴)، *فرهنگ اصطلاحات قرآنی*، قم: هجرت.
۱۰. خراط، احمد بن محمد، (۱۴۲۶)، *الإعجاز البیانی فی ضوء القراءات القرآنیة المتواترة*، ریاض: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشریف.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷)، *مصباح الأصول*، قم: کتابفروشی داوری.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۰)، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم.
۱۴. زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۹۹۶)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، بیروت: دار الفكر.



۱۵. زرکشی، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۰)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۱۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۰)، *دروس موجزه فی علمی الرجال و الدرايه*، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۸. شهید صدر، محمد باقر، (۱۴۲۸)، *دروس فی علم الاصول (الحلقه الثالثه)*، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۴)، *الاعتقادات فی دین الامامیه*، (تحقیق: عصام عبد السید)، بیروت: دارالمفید للطباعه و النشر والتوزیع.
۲۰. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، *مختصر التذکره بأصول الفقه*، (تلخیص: ابو الفتح محمد بن علی کراچکی)، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۱. صبحی صالح؛ محمد مجتهد شبستری، (۱۳۷۴)، *پژوهش هائی درباره قرآن و وحی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. صدر، سید حسن، (۱۳۵۱)، *نهاية الدرايه*، (تحقیق: ماجد الغریبوی)، قم: نشر المشعر.
۲۳. طاهری، حبیب الله، (۱۳۷۷)، *درس های از علوم قرآنی*، قم: اسوه.
۲۴. طباطبائی، سید محمد مجاهد، (۱۲۷۰)، *مفاتیح الأصول*، قم: مؤسسه آل البيت^(ع).
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۶. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶)، *مجمع البحرين*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۷. طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
۲۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۴)، *مبادئ الوصول*، قم: چاپخانه علمیه.
۲۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۵)، *نهاية الوصول الى علم الأصول*، قم: مؤسسه الامام الصادق^(ع).
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.



۳۱. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.

۳۲. کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۸۷) منهج الصادقین فی الزام المخالفین، (تصحیح ابوالحسن شعرانی)، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر.

۳۶. مظفر، محمد رضا، (۱۳۸۸)، المنطق، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۳۷. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹) تفسیر و مفسران، (تحقیق: خیاط و نصیری)، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

۳۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، تهران: نشر سمت.

۳۹. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۸)، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

۴۰. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۵)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

۴۱. موسی، حسین یوسف، (۱۴۱۰)، الإفصاح فی فقه اللغة، قاهره: مكتب الاعلام الاسلامی.